

جایگاه اخلاق کاربردی (حرفه ای) در رشد و ارتقاء مدیریت

دکتر رضا فرامرزنسب^۱. زهرا احمدی^۲. کاظم رحیمی^۳

۱. دکتری الهیات و معارف اسلامی و تاریخ و تمدن اسلامی. مدرس دانشگاه فرهنگیان شیراز. ایران

۳. کارشناس ارشد ادبیات فارسی. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر. ایران

۳. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی شهرداری خوزی. ایران

چکیده

اخلاق کاربردی یا حرفه ای از شاخه های اخلاق است که امروزه از آن بسیار سخن گفته می شود. اخلاق دانشجویی، اخلاق نقد، اخلاق ورزشی، اخلاق پزشکی و اخلاق تجارت، اخلاق نقد، اخلاق پژوهش و غیره. اخلاق مدیریت هم یکی از انواع اخلاق های کاربردی است که کاربرد آن در مدیریت می باشد. اخلاق کاربردی نیمه پنهان علم مدیریت است که به رشد و موفقیت یک مدیر کمک زیادی می کند. اخلاق حرفه ای مدیران باعث موفقیت زیرمجموعه مدیریتی آنها می گردد و آنها را برای رسیدن به هدف جهت ارتقاء سازمان و مجموعه تحت مدیریتشان یاری می نماید.

در این پژوهش هدف آن است که با روش توصیفی- تحلیلی با تاکید بر منابع اسلامی قرآن و سنت صفات اخلاق حرفه ای مدیران در مدیریت و چگونگی رشد و ارتقاء و موفقیت مجموعه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: اسلام، مدیریت، اخلاق، کاربردی، فضایل، رذایل.

مقدمه:

اخلاق به مجموعه رفتارها و صفاتی گفته می‌شود که انسان باید درون خود پرورش دهد و به مرحله عمل درآورد. هر فردی دارای اخلاق و روحیات خاصی می‌باشد. خوش خلقی در اصطلاح علم اخلاق عبادت است و عبارت است از ملکه نفسانی که شامل فضایل اخلاقی مانند عفت، صبر و شجاعت و صداقت یا شامل رذایل اخلاقی می‌گردد مانند ترس، غضب، کینه و بخل در مدیریت از علوم بسیار مهمی است که در هر سازمان و گروه و جمعی ارزشمند و مهم است علم مدیریت تخصص است که مدیر باید آنها را واجد گردد. یک مدیر گروه علاوه بر تخصص مدیریتی باید صفات اخلاقی مدیریت نیز دارا گردد تا بهتر بتواند کارهای مدیریتی را انجام دهد.

سؤالی که در این تحقیق به آن پاسخ داده می‌شود این است که جایگاه اخلاق در رشد و ارتقاء مدیریت چیست؟

اخلاق مدیریت

یکی از شاخه‌های علم اخلاق، اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی به بررسی علم اخلاق در حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان در مباحث تخصصی می‌پردازد. اخلاق کاربردی به دنبال آن است که کاربرد و به کارگیری منظم و منطقی نظریه‌های اخلاقی را در حوزه مسایل اخلاقی خاصی نشان دهد. مانند اخلاق، مدیریت، اخلاق دانش اندوزی، اخلاق زمامداری و سیاست، اخلاق جنسی، اخلاق پزشکی، اخلاق محیط زیست. (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹)

مدیریت به عنوان یک علم در میان سایر علوم دارای ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد. علم مدیریت که با ساماندهی، نظارت و رهبری و رسیدن به هدف مشخص همراه می‌باشد در جامعه نقش‌هایی مهمی بر عهده دارد.

مدیریت در اسلام دارای نظام اخلاقی و ارزشی خاصی می‌باشد که یک مدیر باید به اخلاق مدیریت توجه داشته باشد و آن را رعایت نماید. نظام اخلاقی اسلام دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که شرح آن

چنین است:

الف: شمول و گستردگی

ب: انسجام درونی

ج: ذومراتب بودن

د: تبیین لذت و سود نامحدود

هـ: حسن فعلی و فاعلی

و: قابلیت تبیین عقلانی (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

اخلاق انسانی در مدیریت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. اخلاق مظهر رفتارها و کردارهای فردی یک شخص می‌باشد. مدیر اسلامی باید با اخلاق اسلامی آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند مدیریت صحیح اسلامی را به نمایش گذارد.

در مورد تبیین نحوه شکل‌گیری و بروز رفتار انسانی سه دیدگاه وجود دارد:

الف: مرحله اول بینش

ب: مرحله دوم گرایش متناسب با بینش

ج: مرحله سوم عمل. (علی احمدی، ۱۳۸۱: ۱۰)

انسان خدامحور اگر مدیریت برعهده داشته باشد قطعاً اخلاق الهی - انسانی را سرلوحه مدیریت خود قرار می‌دهد. اخلاق در مدیریت نقش محوری دارد. اخلاق مدیریت آن است که یک مدیر گزاره‌های اخلاقی در کار مدیریت را رعایت کند، گزاره‌هایی که اگر رعایت گردد مدیریت مدیر ارزشمندتر و کارآمدتر خواهد بود و او از این طریق بهتر و بیشتر می‌تواند به زیرمجموعه خود کمک کند و آنها را بهتر اداره و مدیریت نماید.

هر مدیری باید بر مبنای نظام اخلاقی و ارزشی اسلام، اهداف سازمان خود را انتخاب و آن را اجرایی نماید. در نظام اخلاقی اسلام، انسان، روش‌ها، منابع، نظام اداری دارای مشخصه مخصوص به خود هستند. به عنوان نمونه یکی از مولفه‌های اخلاق اسلامی در مدیریت عدالت محوری یک مدیر است. یک مدیر در نظام مدیریتی خود باید عدالت محور باشد.

نتیجه می‌گیریم که اخلاق اسلامی در مدیریت جایگاه ویژه‌ای دارد و مدیر باید اخلاق اسلامی را بشناسد و آن را در مدیریت خود به کارگیرد. مهمترین نقش که اسلام در نظریه‌ها و روش‌های عملی مدیریت ایفا می‌کند از طریق ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۸۶)

همان‌طور که اسلام برای مدیریت مبانی و اصول خاصی بیان می‌دارد، اخلاق اسلامی در مدیریت نیز جایگاه خاصی وجود دارد. اسلام برای مدیران صفات اخلاقی بیان داشته است. مدیران باید فضائل اخلاقی را سرلوحه کار خود قرار دهند و از رذایل اخلاقی نیز پرهیز نمایند.

مبانی مدیریت اسلامی، شامل توحید محوری، نبوت محوری، آخرت‌گرایی، توجه به عظمت مقام انسان، اصل اختیار و اراده انسانی، اصل تکلیف و مسئولیت‌پذیری، رسیدن به حیات طیبه، اصل خودکنترلی و نظارت درونی، اصل نظم و انضباط و غیره می‌باشد.

اخلاق اسلامی دارای مبانی خاص می‌باشد که این مبانی در مدیریت کارآمد هم موثر می‌باشد:

الف: هدفمندی جهان

ب: هدفمندی انسان

ج: آئین بندگی انسان

حضرت علی «ع» در روایتی می فرمایند: "رحم الله امرأ علم من این؟ وفی این؟ والی این؟" خداوند رحمت کند کسی که بداند از کجا آمده؟ در کجاست؟ و به کجا می رود؟ (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۹) خداوند برای زندگی انسان اهداف متوسطی بیان داشته است که در آیات قرآن به آنها اشاره نموده است:

۱. آزمایش انسان

در آیه ۷ سوره هود می فرماید: "وهو الذی خلق السماوات والارض فی سته ایام وکان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن علماً"

واوست کسی که آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید، وعرش او بر آب بود، تا بیازماید که کدامیک نیکو کارترید.

در سوره کهف آیه ۷ می فرماید: "انا جعلنا ماعلی الارض زینة لهما لنبلوهم ایهم احسن عملاً" همانا ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم کدام نیکو کارترینند.

۲. عبادت کردن انسان

در سوره زاریات آیه ۵۶ می فرماید: "وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون."

جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستند.

در سوره یس آیه ۶۱ می فرماید: "وان اعبدونی هذا صراط مستقیم"

واینکه مرا پرستند، این راه راست است.

۳. برخورداری از رحمت الهی

در سوره هود آیات ۱۸ و ۱۱۹ می فرماید: "ولو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفین، الامن رحم ربک ولذلك خلقهم"

و اگر پروردگار تومی خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می داد در حالی که پیوسته در اختلاف هستند مگر کسانی که پروردگار توبه آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است.

آزمایش انسان، عبادت خداوند و برخورداری انسان از رحمت الهی سه هدف متوسط خلقت انسان است. خداوند براساس این سه هدف متوسط یک هدف نهایی از خلقت انسان ها دارد، آن رسیدن به قرب الهی یا کمال الهی می باشد.

امام صادق (ع) می فرماید: بندگی گوهری است که باطن آن پروردگاری است. (داودی، ۱۳۸۸: ۴۴)

اگر انسان مسیر الهی را انتخاب کند و او را عبادت نماید و بتواند از آزمایش های الهی ضمن برخورداری از رحمت الهی سربلند بیرون آید به تدریج به مسیر کمال طلبی خواهد رفت و می تواند به قرب الهی که هدف

نهایی خداوند است برسد. بندگی خدا عین عزت و سربلندی و کمال است. بندگی خالصانه برای خدا باعث می‌گردد که فرد کمال نهایی را طی کند و به قرب الهی برسد. توبندگی چو گدایان به شرط مزد ممکن که دوست خود روش بنده پروری داند

فضایل اخلاقی مدیران

مدیریت اخلاق خاص به خود دارد. یک مدیریت به عنوان یک انسان باید اخلاق مدیریت را رعایت کند تا در کارش در کنار تخصص تعهد نیز داشته باشد. مقام اخلاقی مدیر در مدیریت از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است. پیامبران و ائمه (ع) به عنوان برترین مدیران جامعه همیشه اخلاق مدیریت را رعایت نموده و از این لحاظ برترین‌ها بوده‌اند.

۱. خداگرایی و تقوای الهی (ایمان به خدا)

مدیر جامعه باید خداگر و خداجو باشد. مدیر جامعه در مرحله اول برای رعایت اخلاق مدیریت خداگرایی و خداجویی که به صورت فطری در نهاد او می‌باشد به مرحله عمل و فصل درآورد. اگر یک مدیر خدا محور باشد قطعاً به معنویات توجه دارد و در کارهای خود رضای خدا در نظر خواهد داشت. کسی که رضای خدا در نظر داشته باشد قطعاً بهتر می‌تواند برای رضای خلق تلاش نماید. اخلاق مدیریت اقتضای کند که مدیر جامعه که قصد رهبری و نظارت جامعه را دارد باید محبت و علاقمندی به خدا را در زندگی خود عملاً نمایش گذارد و خود هم در مرحله نظر به آن اعتقاد داشته باشد و هم به صورت عملی آن را اجرائی نماید تا مردم به روش مدیریت او علاقمند و امیدوار باشند. در سوره توبه آیه ۲۴ خداوند خطاب به انسان‌ها می‌فرماید: که نباید پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان و اموالتان را بیش از خدا دوست داشته باشید که در ادامه آیه می‌فرماید اگر چنین کنید خداوند گروه فاسقان را دوست ندارد.

در سوره بقره آیه ۶۵ می‌فرماید: برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی برای او انتخاب می‌کنند و آنها را چون خدا دوست می‌دارند ولی اهل ایمان به خدا محبت بیشتری دارند.

مدیر جامعه اسلامی ایمان به خدا دارد و همین ایمان او را به خداگرایی و خداجویی سوق می‌دهد. ایمانش به خدا، تقوای الهی و خدا ترسی را درون خودش پرورش می‌دهد. او باید تقوا داشته باشد و از لحاظ درون و بیرون خود را برای رضای خدا ساخته و پرداخته نماید.

برای رسیدن به تقوا و ایمان الهی شرط اولیه آن است که مدیر خدا را شناخته و به یگانگی و توحید او اعتقاد کامل داشته باشد، از هرگونه شرک دوری نماید. برای رسیدن به این امر مهم باید به صورت عملی در کار خود رضای خدا دخالت دهد.

حضرت علی (ع) اولین شرطی که برای اخلاق یک مدیر به مالک اشتر بیان می‌دارد تقوی الهی است. مفهوم تقوای الهی برای این است که مدیر اولاً خود را بی نیاز از خدا نبیند و اگر این اتفاق الهی برای او حاصل شد قطعاً به طغیان می‌انجامد. (سوره علق آیه ۶ و ۷) ثانیاً تقوای الهی باعث می‌شود مدیر به مردم ظلم و ستم ننماید و حق آنها را پایمال نکند. زیرا خدا را شاهد و ناظر بر اعمال خود می‌بیند. (شیخ موحد، ۴۷-۴۶:۱۳۸۰)

اخلاق مدیریت اقتضا می‌کند که مدیر برای اینکه مشروعیت داشته باشد اولاً باید تقوا و ایمان الهی داشته باشد و در همه امور خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود ببیند.

ثانیاً اطاعت محض و عملی از خدا و فرامین او داشته باشد و این اطاعت همراه با تسلیم امر الهی باید باشد و طاعت خدا برای او مقدم باشد.

ثالثاً: در امورات مدیریتی خود فقط باید خدا ترس باشد و رضایت او را در نظر بگیرد و از انسان‌های دیگر هراسی نداشته باشد.

رابعاً: مردم پیرو خود را به خداجویی و خداگرانی سوق دهد و جامعه را خدامحور کند. از انحراف و گمراهی آنان جلوگیری نماید.

حضرت علی (ع) در نامه اش به مالک اشتر می‌فرماید: مدیر باید بادست و قلب و زبانش خدا را یاری و نصرت دهد زیرا خدا متعهد شد یاری کند، هرکس او را یاری دهد و هرکس او را ارج نهد عزت و ارجمندی اش بخشد.

۲. الگوگرفتن از پیامبران (مدیران برتر جامعه)

خداوند برای هدایت و رهبری و مدیریت جامعه بشری پیامبران متعددی ارسال و مبعوث نموده است. پیامبران هرکدام به عنوان یک مدیر برتر کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشته اند که این عملکرد مدیریتی بهترین الگو برای مدیران در جامعه می‌باشد.

مدیران اگر به اخلاق مدیران برتر جامعه یعنی پیامبران توجه داشته باشند حتماً در کار مدیریتی خود موفق خواهند بود. پیامبر اسلام (ص) به عنوان یک مدیر تام و انسان کامل میراثی از خود به یادگار گذاشته است که راهگشای هر مدیری می‌باشد. خداوند در قرآن با تاکید در سوره احزاب آیه ۲۲ رسول الله را به عنوان الگوی کامل مدیریتی معرفی می‌کند و می‌فرماید: "ولقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه"

و قطعاً برای شما رسول خدا (ص) اسوه حسنه و نیکوئی است در قرآن کریم برای هر کدام از پیامبران الهی می‌توان یک شیوه مدیریتی را مشاهده نمود که با توجه به شرایط، روش‌های خاص انتخاب نموده اند. ائمه (ع) هم در دوره سخت امامت خود هر کدام با توجه به زمان و شرایط حاکمان روش مدیریتی دقیق انتخاب نموده اند. این روش‌ها و مدل‌های مدیریتی هر کدام دنیائی از تجربه است که راهگشای مدیران در اخلاق محوری می‌باشد.

پیامبران الهی و ائمه (ع) در خدامحوری، دنیاگریزی، مردم‌داری، عبادت، سعه صدر، مدارا، صبر و حوصله. . . همه و همه الگوهای ارزشمندی هستند که می‌توان از آنها بهره کافی گرفت و برای هدایت جامعه از آن کمک گرفت. مدیران باید روش آنها را در مدیریت خود سرلوحه قرار دهند تا موفقیت را کسب نمایند.

۳. اخلاص در کار

یکی از سفارش‌های مورد تاکید در اخلاق اسلامی اخلاص در کار می‌باشد. انسان مومن یکی از ویژگی‌های اساسی که باید متخلق به آن باشد اخلاص می‌باشد. مدیر باید اخلاص در کارهای خود داشته باشد.

خداوند در قرآن آیات ۲ و ۳ سوره زمر می‌فرماید: "فاعبدالله مخلصاً له الدين. الا الله الدين الخالص" پس خدا را خالصانه پرستش کن و دین را برای او خالص گردان. آگاه باشید آئین پاک از آن خداست. خداوند در این آیه به رسول خدا (ص) به عنوان مدیر برتر جامعه اسلامی خطاب می‌کند که در کارهای خود فقط اخلاص برای خدا داشته باش. اخلاص در کار خداوند به سایر پیامبران که مدیران برتر او هستند نیز سفارش اکید نموده است.

در سوره مریم آیه ۵۱ خطاب به حضرت موسی (ع) که به عنوان پیامبر یکی از مدیران برتر الهی بود یاد می‌کند و او را با اخلاص معرفی می‌کند و می‌فرماید: "اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا" و در این کتاب از موسی یاد کن زیرا که او پاکدل و فرستاده ای پیامبر بود.

در سوره یوسف آیه ۲۴ از حضرت یوسف (ع) به عنوان بندگان مخلص یاد می‌کند.

در سوره مومن آیه ۱۴ از پیران پیامبران هم می‌خواهد که کارهای خود خالصانه برای خدا انجام دهند. اخلاص چنین تعریف می‌شود: عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پاک کردن نیت از غیر خدا و هر عبادتی که قصد در آن برای رضای خدا نباشد از اخلاص عاری است. (نراقی، ۱۳۵۱: ۴۸۶)

اگر مدیران در کارهای خود خالصانه برای رضای خدا کار انجام دهند گرفتار بیراهه نمی‌شوند و ضریب موفقیت کاری خود را بالا خواهند برد و درصد موفقیت آنها بیشتر می‌گردد و هم خود راضی خواهند بود و هم خلق خدا؛ زیرا کار برای رضای خداست.

۴. اعتدال و میانه روی

مدیر جامعه حتماً در برنامه های خود باید اعتدال داشته باشد. اعتدال در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۴۳ مسلمانان را به اعتدال دعوت می کند و آنها را امتی میانه و الگو برای دیگران معرفی می نماید. می فرماید: بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

امام علی (ع) می فرماید: میانه روی، ثروتمندی است و اسراف نیازمندی و فقر. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۳۱/۴) اعتدال، حد وسط و میانه هر چیزی است. علمای اخلاق عقیده دارند که هر کاری دوحدهایی دارد. افراط و تفریط. اعتدال و میانه روی حدمیانه افراط و تفریط است. مثلاً در غذا خوردن پر خوری افراط است و کم خوری تفریط است.

در مدیریت، مدیر باید روش اخلاقی اعتدال را رعایت نماید. به گونه ای رفتارهای خود انجام دهد که دچار افراط و تفریط نگردد. اگر دچار افراط و تفریط گردد از هردو سو ضرر به سازمان و جامعه تحت مدیریت خواهد زد.

حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر در مورد رعایت اعتدال و میانه روی میفرماید: اگر عدالت و انصاف به خرج ندهید حتماً ستم و ظلم روا داشته ای و اگر کسی به بندگان ظلم کند خداوند دشمن او خواهد بود. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

مدیر جامعه اگر اخلاق اعتدالی دارد کار خود رعایت کند؛ اولاً به آرامش درونی می رسد ثانیاً مرتکب گناهان و خلافها نمی شود. ثالثاً نیازمند دیگران نخواهد شد. برای اینکه مدیر به صفت اخلاقی اعتدال و میانه روی برسد باید بینش صحیح نسبت به موضوع کار خود داشته باشد و برای این کار تکرار و تمرین داشته و گرایش های خود مهار نماید؛ اگر چنین کند حتماً موفقیت بدست خواهد آورد.

۵. عدالت ورزی

یکی از صفات و فضایی که هر انسانی باید به آن متخلق گردد، صفت عدالت است. در قرآن به عدل توجه ویژه دارد و از آن سخن گفته است و در موارد متعدد افراد مومن و جامعه را به عدالت دعوت نموده است. (آیات ۱۸ آل عمران - ۷ الرحمن)

شهید مطهری عقیده دارد که عدالت از اهداف حکومت اسلامی است که باید توسط مدیران رعایت و اجرا گردد. عدالت اجتماعی در سطح جامعه و عدالت سازمانی از مباحث مدیریت در اسلام است. (مطهری، ۵۹: ۱۳۷۴)

شهید مطهری معتقد است که عدل مفهومی فراگیر است و همه امور اسلامی را شامل می‌گردد. امور فردی تا اجتماعی، قضایی، سیاسی و خانوادگی. عدل وقتی که مربوط به امامت و رهبری است یک شایستگی است وقتی که پای اخلاق به میان می‌آید، آرمانی انسانی است و وقتی که وارد اجتماع می‌شود یک مسئولیت می‌باشد. (همان: ۶۱)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می دهد. (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۶)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر یکی از مدیران ارشدش می نویسد: خودت و خاندان و نزدیکان همگی موظف به رعایت عدل و انصاف هستید. رعایت عدالت را در دو مورد ضروری می‌داند. یکی در مورد خداوند و دیگری نسبت به عموم مردم. اگر این موارد رعایت نکنی حتماً ستم و ظلم روا داشته ای. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

حضرت علی(ع) عدالت را درحوزه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی... می‌داند، که مدیر باید در همه حوزه ها عدالت وانصاف را رعایت کند اگر رعایت عدالت نکند دچار ظلم و ستم می‌گردد که باعث ایجاد معضلاتی برای جامعه می‌شود و در اداره سازمان مدیریتی خود دچار مشکل می‌گردد.

پیامبران که مدیران برتر و برگزیده خدا برای هدایت و رهبری جامعه بودند یکی از اهداف مدیریتی خود در جامعه برقراری عدالت اجتماعی اعلام می‌کردند. خداوند به آنها اعلام می‌دارد که کتاب و میزان در اختیارشان قرار دادیم تا به کمک مردم قسط و عدل را برقرار سازند. (لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)

۶. سعه صدر (شرح صدر)

یکی از صفات بسیار ارزشمندی که مدیر جامعه از نظر اخلاقی باید آن را رعایت کند، شرح صد ریا سعه صدر می باشد. در قرآن در سوره انشراح آیه یک می فرماید: الم نشرح لک صدرك آیا سینه ات را گشاده نکردیم.

یکی از دعا‌های حضرت موسی(ع) وقتی که به پیامبری رسید، شرح صدر بود در سوره طه آیه ۲۵ می فرماید: "رب اشرح لی صدري"

در روایات شرح صدر مورد تأکید واقع شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: "آله الریاسته سعه الصدر" (از ار ریاست سعه صدر است). (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۷)

در سخنی دیگر امام علی (ع) می‌فرماید: پیشوای هرقومی نیازمند آن است که دلی دانا و زبانی گویا و جانی توانا و یورش برنده برای به پاداش حق داشته باشد. (غررالحکم: ۸۷۳)

امام رضا (ع) می فرماید: همانا که چون خدا بنده ای را برای اداره امور بندگانش برگزیند، سینه اش را بدان جهت گشاده می گرداند. (کلینی، بی تا: ۱۸۰/۱)

شرح صدر آن است که آستانه تحمل مدیر بالا باشد و بتواند مشکلات و سختی کاروراه و مسیرش را تحمل نماید. با وجود این تعریف از شرح صدر می توان فهمید که یکی از ابزارهای اساسی اخلاق مدیریت همین موضوع است.

شرح صدر در مدیریت آثاری برجای می گذارد:

الف: اعانت و نصرت

ب: جذب و حذف

ج: رفع اختلاف

د: ایجاد وحدت

هـ: حق پذیری

و: بلند همتی

ز: خستگی ناپذیری (وائقی، ۱۳۷۵: ۱۵۰-۱۸۰)

مدیران باید تمرین و تکرار شرح صدر داشته باشند و با علم و آگاهی و الگو نمائی کارهای مدیریتی خود را انجام دهند. مدیر باید آستانه تحمل خود را بالا ببرد و بتوان فرازونشیب های مختلف را تحمل نماید.

۷. پرهیز از شتابزدگی

از صفات اخلاقی که مدیران باید به آن توجه کنند و خود را متخلق به آن نمایند، پرهیز از شتابزدگی می باشد. شتاب زدگی و عجله در هر کاری نکوهیده است و مورد قبول نمی باشد در مدیریت عجله و شتاب زدگی جایی ندارد زیرا آثار منفی از خود به یادگار خواهد گذاشت.

امام علی (ع) می فرماید: "یا ک العجله بالامور قبل اوانها". (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

ای مالک! بترس از شتابزدگی در کارها پیش از آنکه زمانش فرا رسد.

در روایت آمده است: شتابزدگی را واگذارید زیرا شتابکار خواسته اش بدست نمی آید و پایان کارش پسندیده نباشد. (غررالحکم: ۴۰۶)

حضرت علی (ع) علاوه بر حدیث فوق می فرماید: شتابزدگی انسان را از رسیدن به مقصد باز می دارد (همان: ۳۲)

رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: ثانی و آرامش از خداست و شتابزدگی از شیطان است. (مجلسی، بی تا:

۱۴۷/۷۷)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: پرهیز کنید از عجله و شتابزدگی که پشیمانی به بار می‌آورد (همان: ۳۳۸/۷۱)

عوامل شتاب زدگی:

الف: توجه به تمایلات نفسانی و خواهش‌های درونی

ب: ضعف روحی

ج: محدودیت‌های فکری (وائقی، ۱۳۷۵: ۸۳-۹۶)

د: بی‌برنامه بودن

مدیر برای موفقیت در کار خود باید از هر گونه کارشتاب زده و بی‌تأمل دوری کند. شتابزدگی باعث پشیمانی در کار و عدم رسیدن به مقصد می‌شود. مدیر در تصمیم‌گیری‌های خود باید صبر و حوصله و متانت به خرج دهد تا بتواند موفقیت لازم را کسب نماید.

۸. پاک دستی و حفظ بیت المال

مدیر باید اخلاق اقتصادی اسلامی را رعایت کند و آن را سرلوحه کار خود قرار دهد. مدیران اگر پاک دست نباشند در کار مدیریتی خود ضعف‌های خواهند داشت که این ضعف‌ها باعث می‌گردد در کار خود موفقیت بدست نیاورند.

برای حفظ بیت المال و رسیدن به پاک دستی آنچه که یک مدیر باید در نظر آورد موارد ذیل می‌باشد:

الف: عدالت محوری در امور اقتصادی

ب: بازرسی و نظارت

ج: دقت و صیانت از اموال بیت المال

د: مصرف صحیح اموال بیت المال

هـ: حفظ حقوق مردم در بیت المال

ز: چگونگی دریافت مالیات

ح: تقسیم سریع اموال بیت المال

ط: عدم ایجاد رعب و وحشت میان مردم. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

مدیران باید اخلاق پاکدستی در درون خود و زیرمجموعه خود تکرار و تمرین نمایند و آن را نهادینه کنند. مدیر باید خودش و کارمندانش به رعایت این موضوع امر نماید تا پاک دستی یکی از اخلاق‌های حسنه مدیریتی او گردد.

۹. عفو و گذشت

هر انسانی باید صفت اخلاقی عفو و گذشت را در خود نهادینه کند و آن را تمرین کند. عفو و گذشت در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. در سوره الرحمن آیه ۶۰ می فرماید: "هل جزاء الاحسن الا الاحسان." آیا پاداش نیکی به غیر از نیکی است.

حضرت علی (ع) به مالک اشتر می فرماید: بر مردم همانند درنده ای زیان رسان نباش که خوردن آنان را غنیمت می شمارد زیرا آنها دو دسته هستند یا برادر دینی تو هستند یا هم نوع تو. آنها خطاهایی خواهند کرد. پس عفو و گذشت خود را شامل حال آنان کن همانطور که دوست داری خداوند عفو و گذشت را شامل حال تو کند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۲۰۱۳/۳)

مدیر باید از خطاهای زیردستان خود بگذرد و عفو و گذشت خود را شامل آنها نماید زیرا آدمی جایز الخطا است. امام علی (ع) همانطور که دوست داری خدا از خطاهای تو بگذرد، شما هم از خطاهای مردم و زیردستان بگذر و آنها را عفو کن. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

از چهار صفت بنیادی در علم اخلاق یکی از آنها عفت می باشد. اسلام بر عفت در دامن و شکم و چشم تاکیدهای بسیار زیادی دارد. قرآن کریم در موارد متعدد مومنین را به عفت در روابط جنسی، کسب مال و ثروت (مسایل اقتصادی) دعوت نموده است.

دسوره نور آیات ۳۱ و ۳۰ می فرماید: "قل للمومنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم. ."

"وقل للمومنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولایبدین زینتهن وتوبوا. . ."

بگو به مردان مومن که چشم های خود را از نامحرم نگه دارند و پاکدامنی کنند که این برای آنها بهتر است. به زنان مومن بگو چشم های خود را نامحرم نگه دارند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نکنند همگی توبه کنید.

در سوره مومنون آیات ۱ تا ۷ ویژگی های مومنین را بیان می کند و یکی از آنها را پاکدامنی معرفی می کند و می فرماید: "والذین هم لفروجهم حافظون"

(مومنین) کسانی هستند که پاکدامن هستند. (از فروج خود محافظت می کنند)

در آیات هم رسول خدا (ص) به پاکدامنی توجه زیادی دارند و مردم را به این موضوع توجه داده اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۸۰/۲)

مدیر جامعه باید در زمان مدیریت خود عفت پیشه کند. عفتی که مدیر باید مدنظر قرار دهد از چندین بعد می باشد:

الف: عفت و پاکدامنی

ب: عفت شکم

ج: عفت اقتصادی

د: عفت از لحاظ امانت داری در بیت المال عمومی

مدیرد مدیریت خود باید از عوامل ایجاد عفت بهره برد و آن را به صورت عملی تمرین نماید. عواملی مانند عقل و خرد، خودشناسی، قناعت، غیرت، خداترسی، حفظ آبروی مومنین شامل می گردد.

۱۱. دوری از غضب

مدیر باید از خشم و غضب برزیردستان خود دوری نماید. زیرا خشم و غضب همانند آتشی است که اگر با حلم و بردباری خاموش نگردد، مدیر که صاحب خشم است و دیگران که تابع او هستند را نابود می کند و می سوزاند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۵)

حضرت علی(ع) می فرماید: بدترین دشمن انسان غضب و شهوت است کسی که براین دو تسلط یابد درجه اش بالا می رود و به بالاترین مرتبه می رسد (همان: ۳۰۴)

از شگردهای اخلاق مدیریت این است که با صبر و حوصله کافی و دوری از غضب با آرامش کارها را انجام دهیم نه اینکه با عصبانیت و غضب و خشم کارانجام دهیم. غضب و خشک آثار منفی دارد:

الف: نابودی ایمان

ب: نابودی عقل

ج: نابودی ادب و معرفت

د: آشکاری عیب های آدمی

ه: روشن نمودن کینه های خفته

و: ایجاد ناراحتی و فشار روانی

ز: ذیت و آزار جسمی خود و دیگران

۱۲. پرهیز از طمع و حرص

هر انسانی باید طمع و حرص را از خود دور کند. حرص و طمع از رذائل اخلاقی است که مدیران باید از اخلاق مدیریت خود دور کنند. زیرا حرص و طمع فرد را به بیراهه و منجلاب گرفتاری ها می کشاند و او را خوار می نماید (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۲/۵)

حضرت علی (ع) حرص و طمع را نابود کننده، زشت ترین صفت، بدترین چیزی می شمارد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۲)

مدیر در مدیریت خود اگر به حرص و طمع گرفتار شد، به اعمال خفت بار و زشت دزدی، حیف و میل اموال عمومی، ظلم، رشوه گیری و... دچار می شود و نمی تواند به اخلاق مدیریت توجه داشته باشد.

طمع آثاری دارد:

الف: بی تقوایی

ب: ذلت دنیوی و اخروی

ج: خفت و خواری

د: ظلم و ستم به دیگران

ه: دست درازی به اموال عمومی

۱۳. پرهیز از حسادت

مدیر جامعه باید رذیلت اخلاقی حسادت را از خود دور کند. حسادت هر فردی را نابود می کند و به انحراف می برد. مدیران که در رقابت هستند بیشتر از حسادت لطمه می بینند. حسادت ریشه در حقارت و کوچک بینی خود دارد. فرد هر چه حقیرتر باشد بیشتر حسادت می ورزد.

حضرت علی (ع) حسادت را رأس همه عیب ها می داند. (همان: ۲۹۹)

حسادت به این معنی است که ما اگر صفت یا ویژگی خودمان نداریم می خواهیم که دیگری هم آن را نداشته باشد. حسادت با غبطه تفاوت دارد زیرا غبطه آن است اگر فردی صفتی دارد ما علاقمند هستیم که مثل او آن ویژگی را داشته باشیم و خواهان نداشتن او برای دیگری نیستیم. (نراقی، ۱۳۵۱: ۲۲۶)

۱۴. نداشتن تکبر و غرور

خداوند انسان ها را از یک سرشت آفریده است و همه آنها از یک زن و مرد (آدم و حوا) خلق شده اند و کسی بر کسی برتری ندارد مگر به تقوا و میزان نزدیکی آنها به خدا و قرب الهی. "ان اکرمکم عندالله اتقاکم"

هماناگرامی ترین شما نزد خدا باتقوا ترین شماست.

پس کسی بر کسی برتری ندارد و تکبر و غرور مفهوم و معنی در روابط انسانی ندارد. همه باید از صفات ناپسند تکبر و غرور دوری کنند. زیرا این صفت در قرآن بسیار مذموم است. عامل سقوط شیطان تکبر و غرور او در برابر خداوند و طغیانگری بود.

در سوره بقره آیه ۳۴ می فرماید: "واذقلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس ابی واستکبر و کان من الکافرین"

چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس همه سجده کردند مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد.

در قرآن آیات متعددی مانند ۵۷ و ۷۶ اعراف، ۷۵ یونس و ۲۳ نحل در نکوهش تکبر و غرور می‌باشد. حضرت محمد (ص) می‌فرماید: سه گروه هستند که خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنها نگاه نمی‌کند و آنها را از گناهان پاک نمی‌کند و برای آنان عذابی دردناک است، پیرزناناکار، حاکم ستمگر و فقیر متکبر. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۱۱/۲)

مدیراگر اخلاق مدیریت رعایت کند باید تکبر و غرور را از خود دور نماید تا مردم از اطراف او پراکنده نگردند زیرا دستانش با او همراهی نمایند. تکبر دارای آثار بسیار منفی به شرح ذیل است:

الف: نشانه حماقت

ب: دام شیطان

ج: دوری از خدا و انبیاء

هـ: لجاجت در برابر رهبران الهی

و: خوار کردن بزرگان

ز: عذاب اخروی جاویدان. (دیلمی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۸)

۱۵. کنترل هوانفس

انسان‌ها نباید اسیر هوای نفس گردند. خداوند درون انسان عقل و نفس قرار داده است. همیشه این دو باهم در رقابت و درگیری هستند. اگر جانب نفس بگیریم به سمت هوای نفس خواهیم رفت و انحرافات به دنبال دارد ولی اگر جانب عقل را بگیریم به انحراف نخواهیم رفت. (اسد علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۲/۲)

خداوند به رسول اکرم (ص) به عنوان مدیر برتر خود امر می‌کند که از هوای نفس پیروی نکن. در سوره مائده آیه ۴۹ می‌فرماید: "و ان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهواء هم"

میان مردم براساس آنچه خداوند فرو فرستاده است داوری کن و از هواهای نفسانی آنان پیروی نکن. کنترل و پیروی نکردن از هوای نفس به همه پیامبران الهی (مدیران برتر) توسط خداوند یادآوری شده است در سوره صاد آیه ۲۶ به حضرت داوود دستور می‌دهد که پیرو هوای نفس نباش.

مدیران باید به این امر به خوبی توجه کنند که پیروی از هوای نفس آنان را از کمال به حضيض انحطاط می‌کشاند و باعث سقوط آنها به فلاکت و دوری از خدا می‌گشاند. همانطور که در قرآن آیه ۱۷۶ سوره اعراف به داستان بلعم باعورا اشاره می‌کند که به دلیل پیروی از هوای نفس سقوط کرد.

مدیر باید از پیروی هوای نفس دوری کند زیرا عواقب بسیار زیادی برای او دارد و باعث گمراهی او، خواری و رسوایی، ایجاد سختی‌ها و مشکلات، ضعف اراده و از بین رفتن این فرد و او می‌گردد. حضرت علی (ع) هوای نفس را بزرگترین دشمن و نابودکننده انسان معرفی می‌کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۶)

۱۶. کنترل زبان

زبان انسان از اعضای بدن است که با وجود کوچکی آن ولی میدان عمل گسترده‌ای دارد و زبان می‌تواند با چرخش خود جان فردی را نجات دهد یا او را به کام مرگ بکشانند. خداوند از انسان می‌خواهد که کنترل زبان خود را داشته باشند و در این مورد اسیر و وسوسه‌های شیطان نگردند. مدیر باید در مدیریت کنترل زبان خود داشته باشد و اگر چنین نکند بنابر فرمایش حضرت علی (ع) زبان باعث بیراهه رفتن صاحب آن می‌شود. (همان: ۲۱۳)

زبان گناهمانی برای فرد به دنبال دارد که هر کدام از آنها خود می‌تواند فتنه‌ای بزرگ ایجاد کند. خداوند در سوره حجرات آیات ۱۱ و ۱۲ به آنها اشاره دارد:

الف: غیبت کردن

ب: چاپلوسی

ج: مسخره کردن دیگران

د: افشاگری اسرار مردم

ه: تهمت زدن

و: ظلم و حق‌کشی از دیگران

ز: دادن لقب زشت به مردم

ح: عیبجویی و سخن‌چینی از دیگران

ط: فحاشی

نتیجه‌گیری:

اخلاق در هر کار و حرفه‌ای تاثیرگذار است که مربوط به آن حرفه و کار می‌باشد که اخلاق کاربردی نامیده می‌شود. مدیریت به عنوان یک حرفه مهم دارای اخلاق مخصوص به خود است که به آن اخلاق مدیریت می‌گویند.

مدیر علاوه بر تخصص‌های مدیریتی باید اخلاق مدیریت را در کار خود رعایت کند تا بتواند موفقیت لازم به دست آورد. اخلاق مدیریت شامل مجموعه رفتارها و عملکردها و صفاتی است که یک مدیر باید به آنها متصف و متخلق باشد مانند تقوا و ایمان الهی، الگوگیری از پیامبران، پاک دستی در امور اقتصادی و مالی

عدم پیروی از هوای نفس، پرهیز از غضب و خشم، داشتن سعه صدر، نداشتن تکبر و غرور، کنترل زبان، پرهیز از حسادت.

مدیران اگر اخلاق مدیریت را رعایت نکنند نیمه پنهان مدیریت را به فضیلت نرسانده اند. زیرا نیمه پنهان مدیریت اخلاق حرفه ای (کاربردی) مدیریت است که به مدیر برای رسیدن به موفقیت کمک می نماید.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابراهیمیان آملی، سیدیوسف (۱۳۸۰) الگوی آسمانی (رفتار علوی) انتشارات اطلاعات، تهران.
- اسد علیزاده، اکبر (۱۳۸۲) اندیشه های جاوید، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، قم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غررالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- داوودی، محمد (۱۳۸۸) اخلاق اسلامی، انتشارات معارف، قم.
- دیلمی، آذربایجانی، احمد، مسعود (۱۳۸۵) اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، قم.
- ستمدی، محمدرضا (۱۳۸۸) مدیریت اسلامی، انتشارات پیام نور، تهران.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱) آئین زندگی (اخلاق کاربردی) نشر معارف، قم.
- شیخ موحد، علی (۱۳۸۰) اهداف و وظایف اصولی حکومت اسلامی، انتشارات سلسله، قم.
- علی احمدی، علی رضا، حسین، (۱۳۸۶) مبانی و اصول مدیریت اسلامی، انتشارات تولید دانش، تهران.
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۸۱) اصول مدیریت اسلامی، مدیریت فردا، تهران.
- فیض اسلام (بی تا) نهج البلاغه، دارالهجره، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵) اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- گروه مولفان (۱۳۸۴) جلوه های خدامحوری در زندگی انسان، تحقیقات حوزه ولی فقیه در جهاد کشاورزی، قم.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا) بحار الانوار، داراحیاء التراث الاسلامیه، بیروت، لبنان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۰) میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، قم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰) پیش نیازهای مدیریت اسلامی، نشر موسسه امام خمینی (ره)، قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) عدل الهی، انتشارات صدرا، قم.
- مطهری، مرتضی (بی تا) مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۴-۱)، بی جا، انتشارات اسلامی، قم.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۵۱) معراج السعاده، انتشارات علمی، تهران.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۵) اصول مدیریت اسلامی والگوهای آن، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران.
- وائقی، قاسم (۱۳۷۵) اخلاق مدیریت، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم.